

بررسی فقهی حکم ارسال پرازیت بر امواج ماهواره

دریافت: ۹۸/۲/۲۱ تأیید: ۹۸/۹/۱ محمد مهدی محب الرحمان*
و محمد علی محب الرحمان**

چکیده

پرازیت که غالباً در خصوص اختلالات ماهواره‌ای از آن یاد می‌شود، به عنوان یکی از روش‌های جلوگیری از دریافت امواج تلویزیون‌های ماهواره‌ای به کار گرفته می‌شود. این مقاله در بررسی فقهی این موضوع، به دنبال پاسخ به این سؤالات است که: «ادله جواز ارسال پرازیت کدامند؟ شرایط این حکم چیست؟ در خصوص ضررهای احتمالی نوع مضر پرازیت، چه حکمی جریان می‌یابد؟ نقش حاکم اسلامی چگونه است؟».

این پژوهش که با گردآوری اطلاعات و داده‌ها از طریق منابع نوشتاری و مکتوب، سامانه‌های رایانه‌ای و نرم‌افزارهای علمی با روش داده‌پردازی توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است، پس از بیان اقوال و بررسی ادله، به این نتیجه رسیده که دلیل وجوب ارسال پرازیت برای جلوگیری از فساد، نهی از منکر است؛ آن هم منوط به عدم ضرر. بنابراین، در ضررهای احتمالی پرازیت، با کمک دلیل لاضرر، وجوب نهی از منکر برداشته شده و حتی طبق مبنای امام خمینی 1، حرام خواهد بود؛ البته در موارد اهمیت و لزوم نهی از منکر، صرفاً با اذن و تشخیص امام معصوم یا نایب او ممکن است.

واژگان کلیدی

پرازیت، نهی از منکر، ضرر، حاکم اسلامی

* دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم: mohamad61.30@gmail.com

** عضو هیأت علمی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان: ali.moheb1980@gmail.com

مقدمه

پارازیت^۱ در لغت به معنای انگل، طفیلی، صدای مزاحم و سربار آمده (آریان‌پور و دلگشایی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۳۷۳۶-۳۵۱۴) و در اصطلاح نیز اختلال یا هرگونه مداخله درونی یا بیرونی در فرآیند ارتباطات دانسته می‌شود (ام. برکو و دیگران ۱۳۸۰، ص ۱۵). پارازیت با توجه به انواع مختلف آن که ممکن است محیطی، فیزیولوژیکی، معنایی، ساختاری، سازمانی، فرهنگی، روانی و مجرایسی باشد (رحمان زاده، ۱۳۹۳)، در ایران غالباً در خصوص اختلالات ماهواره‌ای، از آن یاد شده و به عنوان یکی از راه‌های جلوگیری از دریافت امواج، صوت و تصویر شبکه‌های ماهواره‌ای به کار گرفته می‌شود. از دیگر سو، شبکه‌های گسترده ضد اخلاقی ماهواره، بخش‌هایی از جامعه امروز را تحت پوشش خود قرار داده‌اند؛ امری که تدوین قوانینی را در خصوص «ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره» در پی داشته است؛ تا جایی که حتی نگهداری از ماهواره را نیز جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین گردیده و بر اساس آن، رأی صادر شده است.^۲

علاوه بر این روش‌های حقوقی و مدنی، استفاده از پارازیت نیز در دستور کار برخی تشکل‌ها قرار گرفته است تا از طریق ارسال پارازیت بر روی امواج ماهواره‌ای، از دریافت امواج ماهواره و صوت و تصویر شبکه‌های ماهواره‌ای بر روی تلویزیون‌ها جلوگیری نمایند. بنابراین، با توجه به اهمیت موضوع پارازیت و هم‌چنین تحقق این‌گونه روش‌ها، ضرورت دارد حکم فقهی استفاده از این پارازیت بررسی شده و جایگاه فقهی آن تنقیح گردد.

در واقع این مقاله در پی پاسخ به این سؤالات است که: «ادله جواز ارسال پارازیت کدامند؟ آیا این حکم مطلق است و یا در صورت مشروط‌بودن، شرایط این حکم چگونه است؟ در خصوص ضررهای احتمالی که برای نوع مضر پارازیت تصور شده است، چه حکمی جریان می‌یابد؟ و در نهایت، نقش حاکم اسلامی و نایب امام معصوم چگونه است؟».

در ادامه و برای دریافت حکم فقهی ارسال پارازیت، ادله جواز بررسی شده و بعد از تحقیق پیرامون موارد ممنوعیت ارسال پارازیت، توضیح داده شده است که تشخیص مصادیق و موارد جواز ارسال پارازیت و نیز حکم به انجام آن، صرفاً توسط حاکم اسلامی و نایب امام می‌باشد.

پیشینه تحقیق

تحقیق و پژوهش پیرامون گیرنده ماهواره و امکانات جلوگیری از دریافت امواج ماهواره یا ارسال پارازیت، به دلیل تازگی این مصادیق، موضوع تازه و جدیدی است که هیچ‌گونه بحثی از ماهیت‌شان در کتب روایی و فقهی وجود ندارد.

البته مبانی فقهی فیلتر اینترنت و ماهواره، در تحقیقی توسط همین نویسنده منتشر شده است (محب الرحمان و دیگران، ۱۳۹۴، ش ۴، ۶۲-۳۳). اما پژوهش پیش رو، به طور خاص موضوع ارسال پارازیت بر روی امواج ماهواره را محور بحث فقهی خود قرار داده و با توجه ویژه به ضررهای احتمالی پارازیت، از شرط عدم ضرر در نهی از منکر و قاعده لاضرر بهره می‌برد؛ موضوعی که با توجه به جست‌وجو در جست‌وجوگرهای مرجع، مسوق به سابقه تحقیق و پژوهش فقهی، در قالب کتاب و مقاله نمی‌باشد.

دلایل جواز ارسال پارازیت

از جمله مهم‌ترین دلایلی که به زعم نویسنده، ممکن است بر جواز اعمال پارازیت و فیلتر اقامه کرد، حرمت نگهداری کتب ضلال و هم‌چنین وجوب نهی از منکر در قالب ارسال پارازیت می‌باشد.

بنابراین، در ادامه به بررسی این دو دلیل پرداخته و پس از آن، ادله عدم وجوب پی گرفته می‌شود. ضمن این‌که با توجه به اهمیت دلیل حرمت نگهداری کتب ضلال در پژوهش‌های مرتبط، تحقیق بیش‌تری نسبت به این دلیل ارائه شده است و البته تفصیل آن به پژوهش دیگر از نویسنده ارجاع می‌شود (محب الرحمان، ۱۳۹۵، ص ۹۸).

حرمت حفظ کتب ضلال

از آن جایی که برخی تلویزیون‌های ماهواره‌ای مصداق ضالّ و گمراه‌کننده هستند، ممکن است از این دلیل برای جواز بمعنی الأعم و به طور دقیق‌تر و خوب ارسال پرازیت بر امواج ماهواره و در نتیجه مسدود کردن دسترسی به این شبکه‌های تلویزیونی استدلال شود.

چراکه در هیچ یک از مستندات این حکم، کلمه کتاب نیامده، بلکه صفت یا قید لهُو الحدیث، قول الزور، ظلم (در استدلال عقلی) و ... آمده که موضوع حکم را گسترش می‌دهد و همان‌طور که «صاحب جواهر» می‌آورد، مقتضای این ادله، «حرمت هر آنچه که در آن گمراهی باشد» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۵۸)، می‌باشد.

بنابراین، با این تقریب، ادله حرمت حفظ کتب ضاله، به راحتی قابل تطبیق بر تلویزیون‌های ماهواره‌ای ضاله خواهد بود. ضمن این‌که این حکم، اختصاصی به موضوع مسائل اعتقادی و مانند آن ندارد، بلکه هر امری که ضلال و فساد محض باشد را شامل می‌شود (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۹۳).

علاوه بر این، حکم حرمت حفظ کتب کفر و ضلال، با تعابیر مختلف، تقریباً مورد قبول همه علمای متقدم و متأخر؛ مانند «شیخ مفید» (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۵۸۸)؛ «شیخ طوسی» (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۳۶۵) و «صاحب ریاض» (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۱۶۴) و ... است.

هم‌چنین فقهای بزرگی، حکم حرمت را بلاخلاف دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۳۳ و خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۲۱) و حتی مخالفت با ضلال، گاه تا آن‌جا پیش رفته که برخی هجو اهل ضلال را جایز شمرده‌اند (منتظری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۷۳).

ولی در مقابل، «صاحب حدائق» قائل به توقف شده است. چراکه «نصّی وجود ندارد و تحریم و وجوب و مانند آن از احکام شرعی، متوقف بر دلیل شرعی است و مجرد تعلیلات شایع در کلام علما، نزد من، صلاحیت برای تأسیس حکم شرعی ندارد» (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۸، ص ۱۴۱) و تا آن‌جا پیش رفته‌اند که می‌فرمایند با این دلایل

نمی‌توان حکم شرعی تعیین کرد که مانند تیر در تاریکی است (همان، ص ۱۴۲). هم‌چنین از معاصرین نیز برخی در ادله آن تشکیک کرده‌اند (خویی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۵۷-۲۵۴ و تبریزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۴۰).

اما دلیل اول حرمت حفظ کتب ضلال، حکم عقل به قطع ماده فساد دانسته شده است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۳۳). ضمن این که آنچه عقل بدان حکم کند، مورد حکم شرع نیز قرار می‌گیرد (حسینی شیرازی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۹). بنابراین، حکم عقل و شرع بر لزوم از بین بردن ماده فساد، بر کتب ضلال که از مصادیق فساد و ماده فساد به حساب می‌آید، محکم خواهد بود.

البته اغلب فقها به انحای مختلف، بر این دلیل اشکال کرده‌اند. از جمله این‌که اگر لازم بود ماده فساد ریشه‌کن شود، پس لازم است به طور مثال، کافر، بلکه هر شخص گمراه، از بین برود (ایروانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۵؛ خویی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۵۴ و طباطبایی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۹۳). ضمن این که حفظ کتب ضلال، از مصادیق ظلم به حساب نمی‌آید تا تحت حکم عقل بر قبح ظلم قرار بگیرد (روحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۳۹).

دلیل دوم، آیه ۶ سوره لقمان است که می‌فرماید:

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»؛ و از مردم کسانی هستند که سخنان لهو و بیهوده را می‌خرند (مانند غنای طرب‌آور، ترانه‌های فاسد، اشعار و گفتارهای رکیک، بهتان و غیبت‌سرایی، رمان‌ها و افسانه‌های فسادانگیز و غیره) تا جاهلانه (مردم را) از راه خداوند گمراه سازند و آن را به مسخره گیرند؛ آن‌ها عذابی خوارکننده خواهند داشت.

طبق این دلیل، خداوند مشتري لهو الحدیث و کلام باطل را ذم فرموده است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۳۳) و ذم هم دلالت بر تحریم می‌کند (کلاتر، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۷۳). خصوصاً که در انتهای آیه، عذاب مهین را به وی وعده داده است.

البته از آن‌جا که ملاک مذمت خداوند و عذاب، باطل بودن کلام و لهو الحدیث

است، پس از شراء و خریدن سلب خصوصیت شده و به هر گونه انتقال؛ از اعطا، تعلیم و ... تعمیم داده می‌شود (شهیدی تبریزی، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۴۹). از دیگر سو، کتاب ضلال هم جزء مصادیق لهو الحدیث و کلام باطل قرار می‌گیرد (حسینی شیرازی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۹). بنابراین، به حکم حرمت می‌باشد.

اما اشکال این است که هرچند آیه شریفه بر حرمت حفظ کتب ضلال و هم‌چنین شبکه‌های ضلال، دلالت داشته باشد، اما این دلالت، غیر از وجوب معدوم کردن کتب ضلال و حتی منع کردن دیگران می‌باشد (ایروانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۵ و خوبی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۵۵) که می‌توان از دلیل نهی از منکر استفاده کرد.

دلیل سوم، روایت «شیخ صدوق» از «عبدالملک» است که:

گفت: به امام صادق ۷ گفتم: من به این علم گرفتار شده‌ام و از این رو، چون قصد آن کنم که در پی حاجتی روان شوم، چون در طالع بنگرم و طالع شر را بینم، فرومی‌نشینم و در پی آن حاجت نمی‌روم و چون طالع خیر را بنگرم، در پی آن حاجت روان می‌شوم. امام فرمود: آیا به مقتضای این دانش خود عمل می‌کنی؟! گفتم: آری. فرمود: کتاب‌هایت را بسوزان^۳ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۳۷۰).

این روایت که از مراسلات صدوق به حساب می‌آید (خرازی، ۱۴۲۲ق، ش ۲۲، ص ۷۷-۳۵)، برخی سند آن را پذیرفته و بر طبق آن استدلال کرده‌اند و یا در نقل روایت، لااقل اشکالی بر سند آن نگرفته‌اند (لنکرانی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۰۲؛ سبحانی، ۱۴۲۴ق، ص ۴۳۴ و جمعی از پژوهش‌گران، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۴۹).

در مقابل، برخی دیگر از فقها سند روایت را قابل‌خداشه دانسته و نپذیرفته‌اند (موسوی قزوینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۳۳۹؛ صدر، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۳۲ و طباطبایی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۸۲).

از نظر دلالت نیز جمله امری امام ۷ به «أُحْرِقْ» دلالت بر وجوب سوزاندن و ازبین بردن آن کتب ضلال دارد.

لکن اشکال اول این است که امام ۷ امر به ازبین بردن مطلق کتب ضلال

نمی‌فرمایند، بلکه با سؤال «تَقْضِي؟» حکم «أُخْرِقُ» را محدود به جایی می‌نمایند که صاحب کتاب ضلال، به آن عمل کرده باشد (منتظری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۹۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ق، ص ۴۳۴ و روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۲۶۶). بنابراین، می‌توان گفت امر امام، مشروط به تأثیرگذار بودن و عمل کردن مخاطبین می‌باشد.

اشکال دوم هم این‌که امر امام در این روایت، ارشادی است، نه تکلیفی (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱۲؛ تبریزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۴۱ و حسینی شیرازی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸۱). بنابراین، نمی‌توان از این روایت، بر وجوب سوزاندن، از بین بردن و بالتبع، ارسال پارازیت و مسدود کردن شبکه‌ها استفاده کرد.

اما در نهایت و بر فرض پذیرش این حکم، دو اشکال عمده مانع از استفاده ادله مختلف در موضوع این مقاله است.

اشکال اول این‌که برخی ملاک ضاله بودن را «یقین یا احتمال گمراه شدن شخص و تقویت باطل بدان‌ها» دانسته‌اند (حکیم، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۱؛ روحانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۵ و گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۴۱) و برخی نیز ملاک را «نبود غرض مشروع» بیان نموده‌اند (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹۸ و بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۷-۱۶). مثل این‌که اگر هدف از نگهداری، پاسخ‌دادن بدان‌ها و مانند آن باشد، نگهداری آن جایز است. بنابراین، تشخیص ضاله بودن برعهده مکلف گذاشته شده است.

در واقع با توجه به «شخصی بودن این دو مسأله» و هم‌چنین این نکته که فقط مواردی از کتب ضلال قابلیت خرید و فروش ندارند که هیچ منفعت حلالی برای آن‌ها متصور نباشد (روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۲۶۸ و تبریزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۴۳)، به نظر می‌رسد جریان حکم حرمت حفظ کتب ضلال برای ارسال پارازیت، صرفاً شامل مواردی می‌شوند که به طور حتم و برای همه ضلال باشند و در نتیجه، صرف احتمال وجود غرض صحیح و منفعت محله برای برخی از کاربران، باعث جلوگیری از جریان حکم وجوب فیلتر خواهد بود.

اشکال دوم نیز می‌تواند این باشد که نهایت ما استفاده من الادله، «حرمت حفظ، نشر، مراجعه، مشاهده، استفاده و دیگر تصرفات در موضوع تلویزیون‌های ماهواره‌ای

می‌باشد که مشتمل بر گفتار لهُو یا سخن باطل است»، ولی این کجا و منع دیگران کجا. در واقع این ادله از اجبار و منع دیگران سخن نمی‌گوید. بلکه نهایتاً همان‌طور که برخی بزرگان به آن اشاره کرده‌اند (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۷۶ و طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۱۶۵)، می‌توان پذیرفت این ادله، منکر بودن را ثابت می‌کند و نهی و منع دیگران، از دلیل دیگری، مثل نهی از منکر فهمیده می‌شود.

نهی از منکر

مهم‌ترین دلیلی که می‌توان بر جواز یا وجوب فیلتر و اعمال پارازیت اقامه کرد، امر به معروف و نهی از منکر است. به این معنا که اگر استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای، عمل منکری باشد، می‌توان با کمک دلیل وجوب نهی از منکر، استفاده از ماهواره را از طریق مختلف، محدود ساخت تا در نهایت، از تحقق منکر جلوگیری شود. بنابراین، اگر نهی از منکر واجب نباشد، ارسال پارازیت نیز واجب نخواهد بود. ضمن این‌که ادله نهی از منکر تنها زمانی به کار می‌آید که موضوع منکر یقینی بوده و فاسد بودن شبکه‌های ماهواره‌ای مفروغ‌عنه باشد.

این در حالی است که نهی از منکر اجماعاً واجب می‌باشد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۵۸ و خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۵۰) و حتی برخی آن را از اصول دین (شریف مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۶۶-۱۶۵) و یا ضروریات دین دانسته‌اند (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶۲) و در قرآن کریم (آل عمران (۳): ۱۰۴)^۴ و روایات نیز بر آن تأکید شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۱۹ و طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۸۰) و به همین جهت، تفصیل ادله آن، به کتب مربوطه ارجاع می‌شود.

اما باید توجه داشت که طبق عقیده همه فقها، شروط متعددی برای وجوب نهی از منکر وجود دارد (شریف مرتضی، ۱۳۸۷ق، ص ۳۹؛ طوسی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۸ و امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶۵) که برخی آن را تا چهارده شرط تفصیل داده‌اند (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۴۲۹). بنابراین، تنها با وجود این شرایط است که می‌توان از دلیل وجوب نهی از منکر بر وجوب اعمال پارازیت بهره برد.

از مهم‌ترین این شرایط که در خصوص موضوع این پژوهش تصور می‌شود، نداشتن ضرر و مفسده است (حلبی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۶۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۱۱؛ فخرالمحققین، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۸۴ و کرکی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۳)؛ چراکه در مورد ارسال پارازیت بر امواج ماهواره، احتمال مضراتی داده شده است. در واقع، اگر ارسال پارازیت ضرر و مفسده‌ای در پی داشته باشد، نهی از منکر و ارسال پارازیت، واجب نخواهد بود. بنابراین، این پژوهش در ادامه، تحقیقی پیرامون شرط عدم ضرر و مفسده برای وجوب نهی از منکر صورت داده تا با روشن شدن حدود و ثغور آن، حکم فقهی ارسال پارازیت روشن گردد.

ادله عدم وجوب ارسال پارازیت

همان‌طور که گفته شد، اگر امر به معروف و نهی از منکر مستلزم ضرر باشد، حکم وجوب برداشته شده و دیگر واجب نخواهد بود (طوسی، ۱۳۷۵ق، ص ۱۴۹؛ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۵۷ و خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۵۱) و حتی ممکن است مانند برخی فقهای بزرگ؛ از «شهید اول» تا «امام خمینی»، قائل به حرمت چنین نهی از منکری شد (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۷؛ احسائی، ۱۴۱۰ق، ص ۹۶؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۰۵ و امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۷۲).

از دیگر سو، ادعاهای فراوانی در مورد ضررهای ناشی از ارسال پارازیت مطرح شده است (صارمی، ۱۳۹۱؛ ملک زاده، ۱۳۹۷؛ جمعی از پژوهش‌گران، ۱۳۹۵ و خسروپناه، ۱۳۹۲). ادعاهایی که هرچند اثبات آن‌ها از عهده فقه خارج بوده و به دست آزمایش‌گاه‌های تخصصی خود سپرده می‌شود، اما با توجه به اهمیت موضوع و هم‌چنین اختراع پارازیت‌های مضر در دنیای کنونی، این مقاله تحقیق خود را در موضوع پارازیت‌های مضر، پی می‌گیرد.

ضمن این‌که صرفاً یقین به وجود ضرر، وجوب نهی از منکر را برطرف نمی‌کند، بلکه با ظن ضرر (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۲۵؛ همو، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۴۴۳ و شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۷) و یا حتی مانند «شیخ مفید» و «امام خمینی»، با احتمال

و خوف ضرر نیز (مفید، ۴۱۳ق، ص ۸۰۹ و امام خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۷۲) و خوب نهی از منکر و ارسال پارازیت، برداشته می شود و با توجه به حکم اولی فیلتر (محب الرحمان و دیگران، ۱۳۹۴، ش ۴، ص ۵۲) و نیز نظرات برخی فقها از جمله «شهید اول» و «امام خمینی» که پیش تر گذشت، حرام خواهد بود (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۷؛ امام خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۷۲ و همو، بی تا، ج ۱، ص ۴۷۲).

اما نکته دیگر در موضوع این ضررها، عمومی و فراگیربودن آن است. به این معنا که این ضررها، فقط متوجه مرتکب منکر و کسی که از ماهواره استفاده می کند، یا حتی ناهی از منکر نیست، بلکه ضرر عام بوده و همه مسلمانان را مورد تأثیر خود قرار می دهد. بنابراین، نمی توان با ادله ای؛ مانند «أفضل الأعمال أحمرها» (ابن اثیر، بی تا، ج ۱، ص ۴۴۰ و مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۷۹، ص ۲۲۹) چنین نهی از منکری را به دلیل وجود مشقت و ضرر بر ناهی از منکر، مستحب دانست (سلار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۰).

در ادامه، ادله عدم وجوب نهی از منکر به هنگام ضرر بیان شده و به استنباط عدم وجوب ارسال پارازیت در صورت وجود ضرر، پرداخته می شود.

موثقه مسعدة بن صدقه

از جمله ادله مختلفی که فقها بر شرط عدم ضرر در نهی از منکر مطرح کرده اند، می توان به موثقه «مسعدة بن صدقه» اشاره کرد. طبق این روایت، مسعدة بن صدقه می گوید:

از امام صادق ۷ از امر به معروف و نهی از منکر سؤال شد که آیا بر تمام این امت واجب است؟ فرمودند: خیر. سؤال شد: چرا؟ فرمود: فقط بر کسانی واجب است که نیرومند باشند و مردم از آنها اطاعت کنند، پس این کار بر کسی که در زمان صلح و آرامش توان و نیرو و یاور و فرمان بردار ندارد، لازم نیست^۵ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۲۶).

اما نکته مهم در خصوص موثقه، این است که این روایت در پی عدم وجوب نهی

از منکر، به هنگام ضرر بر «ناهی از منکر» می‌باشد (حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۲۴؛ فیض کاشانی، بی تا، ج ۲، ص ۵۶؛ منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۴۵ و نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۷، ص ۱۸۷). این در حالی است که مهم‌ترین ضرر احتمالی ارسال پرازیت، افزون بر ناهی از منکر و انجام‌دهنده منکر، بر جمع دیگر مسلمانان نیز وارد می‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت این دلیل در خصوص موضوع بحث، ناکارآمد بوده و بدون تفصیل و تشریح آن، ادله دیگر، پی گرفته می‌شود.

روایت یحیی الطویل

روایت دیگری که فقهای متقدم و متأخر در خصوص شرط عدم ضرر در نهی از منکر مورد بحث قرار داده‌اند، روایت یحیی الطویل می‌باشد (بحرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۱۵؛ شریف کاشانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۷۳ و روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۲۶۲). روایتی که بر طبق آن، امام صادق ۷ فرمودند: «کسی امر به معروف و نهی از منکر می‌شود که یا مؤمن موعظه‌پذیر باشد و یا جاهلی که آگاهی بگیرد. اما امر و نهی صاحب تازیانه و شمشیر (قدرت)، واجب نیست»^۶ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۲۷). اما در خصوص این روایت نیز مانند موثقه مسعده، باید گفت این روایت نیز به ضرر بر ناهی از منکر اشاره داشته و از موضوع بحث خارج می‌باشد. چراکه مهم‌ترین ضرر احتمالی ارسال پرازیت، بر عموم مسلمانان تصور می‌شود.

قاعده لا ضرر

مهم‌ترین دلیل در توضیح شرطیت عدم ضرر در نهی از منکر، قاعده لا ضرر دانسته می‌شود. بر اساس این دلیل - که توضیح آن در ادامه خواهد آمد -، در صورت‌هایی که نهی از منکر، موجب ضرر باشد، واجب نمی‌باشد. بنابراین، در خصوص ضررهای پرازیت، به راحتی می‌توان از دلیل لا ضرر بر عدم وجوب نهی از منکر و عدم وجوب ارسال پرازیت بر امواج ماهواره‌ای استفاده کرد.

البته هرچند ممکن است گفته شود جایگاه ضرر لازم است به عنوان حق خصوصی بررسی شود؛ به طوری که فرد متضرر می‌تواند معترض باشد، اما روشن است که این

حق خصوصی، مانع ورود مدعی العموم و نیز حاکم اسلامی برای جلوگیری از این ضرر و مفسده نخواهد بود.

قاعده لا ضرر که از قواعد مشهور فقهی به حساب می‌آید، به این معنا دانسته شده که هرگونه ضرر و اضرار در اسلام نفی شده است و فقها نیز در ابواب مختلف فقهی، آن را به کار گرفته‌اند. هم‌چنین در باب امر به معروف و نهی از منکر و در بحث ما نحن فیه نیز فقهای بزرگی از دلیل «لا ضرر و لا اضرار» بر «شرطیت عدم ضرر» در «وجوب نهی از منکر» و در نتیجه «عدم وجوب نهی از منکر در صورت ضرر»، استدلال کرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۲۴۰؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۴۰۴ و سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۲۲۰).

البته پیرامون قاعده «لا ضرر» و استناد و دلیل آن، فقهای بزرگ از ادله قرآنی، روایی و عقلی بهره گرفته‌اند که به خاطر دوری از اطاله کلام و هم‌چنین پرداختن به موضوع اصلی این مقاله، از طرح و بحث آن‌ها منصرف شده و نحوه استفاده از دلالت آن بر مبنای پذیرش این قاعده، پی گرفته می‌شود.

در خصوص دلالت این دلیل و تطبیق آن بر عدم وجوب نهی از منکری که مستلزم ضرر است، می‌توان گفت طبق نتایج مختلفی که از دلیل «لا ضرر» استفاده می‌شود، چه بگوییم حکم ضرری تشریح نشده و چه بگوییم حکم به لسان موضوع ضرری، نفی شده باشد، وجوب نهی از منکری که مشتمل بر ضرر باشد، برداشته می‌شود؛ چراکه در تعارض دلیل «لا ضرر» و دلیل وجوب نهی از منکر، «لاضرر» دلیل «حاکم» به حساب می‌آید (انصاری، بی تا، ج ۲، ص ۴۶۲). بنابراین، طبق این مبنا و با برداشته شدن دلیل وجوب امر به معروف و نهی از منکر، صرفاً «وجوب» امر و نهی برداشته می‌شود.

اما مبنای «امام خمینی» در خصوص دلالت «لاضرر»، متفاوت از دسته قبل بوده و این، راه را برای برداشت حرمت امر به معروف و نهی از منکر، به هنگام ضرر، هموار کرده است. چراکه حضرت امام، برخلاف مشهور فقها، - که «لا» را نافی تلقی کرده‌اند - «لا» در «لا ضرر» را ناهیه دانسته‌اند.

بنا بر نظر «مرحوم امام خمینی» که «لا» در روایت، «لا»ی ناهیه است، روایت به این

معنا خواهد بود که نباید کسی به دیگری ضرر بزند. در واقع ایشان این نهی را، نهی حکومتی می‌داند که پیامبر اکرم ﷺ به عنوان حاکم، چنین نهی‌ای ایراد فرموده‌اند (امام خمینی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۴۰ و ۵۵).

حال اگر هر عملی از جمله نهی از منکر مستلزم ضرر باشد، مورد «حکم نهی لا ضرر» قرار گرفته و در نتیجه «حرام» خواهد بود. بنابراین، در خصوص موضوع این تحقیق و ارسال پارازیت‌هایی که مضر هستند نیز حرمت چنین نهی از منکری - که مستلزم ضرر است - به روشنی استفاده می‌شود.

ضمن این‌که حتی طبق مبنای عدم تقدیم جانب نهی (لاضرر) در اجتماع امر و نهی و ممتنع دانستن آن (آخوند خراسانی، ۱۴۲۵ق، ص ۲۱۲)، باز هم بین «وجوب نهی از منکر» و «نهی از ضرر رساندن»، «تعارض» و «حکومت» نیست، بلکه می‌توان گفت «تزام» محقق شده و لازم است ملاحظه اهم صورت گیرد (رحمانی، ۱۳۸۳، ش ۳، ص ۲۰۴-۱۷۶). در واقع به درجه اهمیت آن منکر و ضرر حاصله توجه می‌شود و هر کدام از مأموریه و منهی عنه که دارای اهمیت بیش‌تری نزد شارع باشد، حکم آن مراعات خواهد شد (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۷۲؛ شبیری زنجانی، ۱۳۹۳ و سبحانی، ۱۳۹۳) و یا در بیان مشابه، گفته شود ضرر معتنی به است که موجب تقدیم حرمت لاضرر بر وجوب نهی از منکر می‌باشد (موسوی اردبیلی، ۱۳۹۳).

بنابراین، شاید بتوان گفت از این روست که «امام خمینی»، در بحث ضرر در امر به معروف و نهی از منکر، به ملاحظه اهمیت تصریح نموده و در مثال‌هایی مانند حفظ جان گروهی از مسلمین، یا شعائر اسلام؛ مثل خانه خدا و ... که شارع بر آن‌ها اهتمام قائل است و از طریق انجام امر به معروف و نهی از منکر حفظ می‌شوند، مطلق ضرر و حرج را موجب رفع تکلیف و وجوب امر به معروف و نهی از منکر ندانسته و حتی بذل نفس را برای هدایت لازم می‌دانند (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۷۲)؛ در حالی که در مواردی که معروف و منکر، اهمیت پایین‌تری نسبت به ضرر داشته‌اند، مانند جایی که با انجام نهی از منکر، خوف ضرر بر جان یا آبروی مسلمان باشد، وجوب نهی از منکر را ساقط دانسته‌اند (همان). در واقع گویا حفظ جان و آبروی مسلمانان مانند دوری از

گمراهی و ضلالت، از درجه‌ای از اهمیت برخوردار است که وجوبِ نهی از منکر به خاطر آن ثابت یا ساقط می‌گردد.

تشخیص مصداق و اجازه حاکم

با توجه به این که موضوع ارسال پارازیت مضر و ضررهای احتمالی آن، ممکن است نقص‌هایی را بر جنین در پی داشته باشد (صارمی، ۱۳۹۱؛ ملک زاده، ۱۳۹۷؛ جمعی از پژوهش‌گران، ۱۳۹۵ و خسروپناه، ۱۳۹۲)، لازم است از این بحث شود که در فرض اهمیت پارازیت و تقدیم آن بر ادله نفی، نهی و حرمت ضرر، کدام مرجع می‌تواند اقدام به ارسال پارازیت نماید و نقش حاکم شرع و نماینده امام معصوم در این گونه موارد چگونه تصویر می‌شود.

از مجموعه مباحثی که فقها در باب امر به معروف و نهی از منکر آورده‌اند و به ویژه «صاحب جواهر» مفصل‌تر به آن پرداخته است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۸۶-۳۸۰)، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که اگر اعمال نهی از منکر موجب جراحت یا حتی ضمان در مال و یا جان مرتکب شود، نیازمند اذن حاکم شرع می‌باشد (سلار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۳؛ جزایری، بی‌تا، ص ۲۰۲ و امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸۱). حتی برخی این‌گونه آورده‌اند که هر عملی از سوی ناهی از منکر که الزام و اجبار فیزیکی به حساب می‌آید، محتاج به اذن حاکم است (تجلیل تبریزی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۷۹-۳۷۸).

در این میان، بعضی از بزرگان مانند «شیخ طوسی»، اذن حاکم را به مشایخ شیعه نسبت داده‌اند (طوسی، ۱۳۷۵ق، ص ۱۵۰-۱۴۹) و برخی نیز آن را مشهور (بحرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۱۷-۴۱۶) و یا اشهر بیان کرده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۰۵-۱۰۴). علاوه بر این، طبق نظر «حضرت امام خمینی»، در مراتب پایین‌تر؛ یعنی در مواردی که عمل فیزیکی نهی از منکر یا امر به معروف، بدون آن‌که موجب دیه باشد، حتی اگر صرفاً موجب درد در مرتکب شود، باز هم گرفتن اذن حاکم سزاوار است (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸۰-۴۸۱). برای دیدن نظر مخالفین رک: کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۲۵ و نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۸۲-۳۸۰).

ضمن این که برخی فقها معتقدند انجام امر به معروف و نهی از منکر به صورت قتل مرتکب صحیح نیست؛ چرا که هدف از نهی از منکر، آن است که مرتکب، منکر را ترک کند؛ در حالی که با مرگ مرتکب، دیگر کسی نیست که ناهی از منکر بخواهد او را مورد نهی از منکر قرار دهد. در واقع با فوت مرتکب، سالبه به انتفای موضوع خواهد شد (جزایری، بی تا، ص ۲۰۲ و شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۰۵-۱۰۴).

علاوه بر آنچه در لزوم اجازه از حاکم گفته شد، در مرتبه بالاتر؛ یعنی مرجع تشخیص محترم بودن جان و مال و همچنین ضرورت اتلاف آن نیز همان طور که «شهید ثانی» آورده، می توان گفت بر اساس صلاحیت عام رسیدگی به دعاوی، توسط امام معصوم یا نایب ایشان و قاضی صلاحیت دار است (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۶۱).

با توجه به آنچه گفته شد، اگر لازم باشد امر به معروف و نهی از منکر، از طریق اعمال ضمان آور انجام پذیرد؛ مانند از بین بردن مال، جرح و ... نیازمند اجازه حاکم اسلامی و نماینده امام معصوم می باشد (امام خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۸۳-۴۸۰ و سلار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۴-۲۶۳). بنابراین، می توان گفت در موضوع این مقاله که ضررهای احتمالی پارازیت مضر، ضررهایی بر جان و نفس مسلمانان تصویر کرده؛ به حدی که این ضررها متوجه عموم مسلمانان شده است، وجوب نهی از منکر، منوط به اجازه از حاکم شرع و نادیده گرفتن ضررهای احتمالی و اهمیت بیش از پیش نهی از منکر می باشد.

نتیجه گیری

با توجه به تمام آنچه گفته شد، می توان این گونه نتیجه گرفت که:

۱. دلیل وجوب ارسال پارازیت برای جلوگیری از امواج ماهواره و تحقق فساد، نهی از منکر می باشد.
۲. امکان استفاده از دلیل نهی از منکر، منوط به عدم وجود ضرر بر دیگران است.

۳. در صورت ضررهای احتمالی که برای پارازیت مضر تصور شده است، وجوب نهي از منکر، برداشته می‌شود.
۴. طبق مبنای مرحوم حضرت امام در «لاضرر» که «لا» را ناهیه می‌دانند، ارسال پارازیت حرام می‌باشد.
۵. در تراحم بین «لاضرر» و دلیل نهي از منکر، در موارد اهمیت و لزوم نهي از منکر و جلوگیری از مآواره، صرفاً با اذن و تشخیص امام معصوم یا نایب او ممکن است.

یادداشت‌ها

1. Parasite.

۲. رکن مادی بزه در نگه‌داری از تجهیزات دریافت از مآواره منصرف از استفاده است و صرف نگه‌داری این اقلام جرم‌انگاری شده است.
- بخشی از رأی شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی جزایی تهران، ویژه کارکنان دولت که طی دادنامه نهایی شماره رأی نهایی ۱۳۳۰۲۲۲۲۰۰۹۹۷۰۹۲۰ صادره از شعبه ۲۲ دادگاه تجدید نظر استان تهران تأیید شده است.
۳. محمد بن علی بن الحسین، یاسناده عن عبد الملك بن أعین قال: قلت لأبي عبد الله 7 إني قد ابتليت بهذا العلم، فأريد الحاجة فإذا نظرت إلى الطالع و رأيت الطالع الشرّ جلست و لم أذهب فيها، و إذا رأيت طالع الخير ذهبت في الحاجة، فقال لي: «تقضي؟ قلت نعم، قال: أأحرق كتبيك».
۴. «ولتكن منكم أمة يدعون إلى الخير ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر وأولئك هم المفلحون».
۵. محمد بن يعقوب، عن علي بن إبراهيم، عن هارون بن مسلم، عن مسعدة بن صدقة، عن أبي عبد الله 7 قال: سمعته يقول: و سئل عن الأمر بالمعروف و التّهي عن المنكر، أواجب هو على الأمة جميعاً؟ فقال: «لا؛ [فقليل له: و لم؟ قال: إنا هو على القوى المطاع، ... و ليس على من يعلم ذلك في هذه الهدنة من حرج، إذا كان لا قوة له و لا عدد و لا طاعة».
۶. علي، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن يحيى الطويل صاحب المقرئ قال: قال أبو عبد الله 7: «إنما يؤمر بالمعروف و ينهى عن المنكر مؤمن فيتعظ، أو جاهل فيتعلم؛ فأما صاحب سوط أو سيف فلا».

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد جزری، **النهاية فى غريب الحديث و الأثر**، ج ۱، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.
۳. احسائی، ابن ابی جمهور، محمد بن علی، **الأقطاب الفقهية على مذهب الإمامية - درر اللآلی العمادية فى الأحادیث الفقهية**، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی ۱، ۱۴۱۰ق.
۴. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، **کفاية الاصول**، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۵ق.
۵. اردبیلی، احمد بن محمد، **مجمع الفائدة و البرهان فى شرح إرشاد الأذهان**، ج ۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
۶. آریان پور، منوچهر و دلگشایی، بهرام، **فرهنگ پیشرو آریان پور**، ج ۴، تهران: جهان رایانه، ۱۳۷۷.
۷. ام. برکو، ری و دیگران، **مدیریت ارتباطات**، مترجم: سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۰.
۸. امام خمینی، سید روح الله، **الرسائل**، ج ۱، قم: اسماعیلیان، ۱۳۸۵ق.
۹. امام خمینی، سید روح الله، **تحریر الوسيلة**، ج ۱، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، بی تا.
۱۰. انصاری، مرتضی بن محمد امین، **فرائد الأصول**، ج ۲، قم: مجمع الفکر الاسلامی، بی تا.
۱۱. انصاری، مرتضی بن محمد امین، **کتاب مکاسب المحرمة و البيع و الخيارات**، ج ۱، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
۱۲. ایروانی، علی بن عبد الحسین نجفی، **حاشية المكاسب**، ج ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۱۳. بحرانی، آل عصفور، حسین بن محمد، **سداد العباد و رشاد العباد**، قم: کتابفروشی محلاتی، ۱۴۲۱ق.
۱۴. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، **الحدائق الناضرة فى أحكام العترة الطاهرة**، ج ۱۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ق.
۱۵. بحرانی، زین الدین، محمد امین، **کلمة التقوى**، ج ۴، قم: نشر سید جواد وداعی، ۱۴۱۳ق.
۱۶. تبریزی، جواد بن علی، **إرشاد الطالب إلى التعليق على المكاسب**، ج ۱، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۶ق.

۱۷. تجلیل تبریزی، ابو طالب، **التعليقة الاستدلالية على تحرير الوسيلة**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی 1، ۱۴۲۱ق.
۱۸. جزایری، عبدالله بن نورالدین، **تحفة السنية في شرح نخبة المحسنية**، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۱۹. جمعی از پژوهش‌گران دانشگاه علوم پزشکی شیراز، **تأیید تأثیر پارازیت و امواج الکترومغناطیس بر افزایش ناباروری**، ۱۳۹۵، خبرآنلاین: <https://www.khabaronline.ir/amp/609140>.
۲۰. جمعی از پژوهش‌گران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، **موسوعة الفقه الإسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت**، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، ۱۴۲۳ق.
۲۱. حر عاملی، محمد بن حسن، **تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**، ج ۱۱ و ۱۶، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
۲۲. حسینی شیرازی، سید محمد، **إیصال الطالب إلى المكاسب**، ج ۲، تهران: منشورات اعلمی، بی‌تا.
۲۳. حکیم، سید محمد سعید، **منهاج الصالحین**، ج ۲، بیروت: دار الصفوة، ۱۴۱۵ق.
۲۴. حلبی، ابو الصلاح، تقی‌الدین بن نجم‌الدین، **الکافی فی الفقه**، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین 7، ۱۴۰۳ق.
۲۵. حلّی، جمال‌الدین، احمد بن محمد اسدی، **المهذب البارع فی شرح المختصر**، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ق.
۲۶. خرازی، محسن، «التجیم و علم النجوم»، **فقه اهل بیت** : (عربی)، سال ۶، ش ۲۲، ۱۴۲۲ق.
۲۷. خسروپناه، ایرج، **پارازیت‌های ماهواره‌ای چه تأثیری بر سلامت انسان دارند؟** ۱۳۹۲، پارسینه: <http://www.parsine.com/fa/news/167497>.
۲۸. خمینی، سید مصطفی، **مستند تحریر الوسيلة**، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی 1، بی‌تا.
۲۹. خوانساری، سید احمد بن یوسف، **جامع المدارک فی شرح مختصر النافع**، ج ۳ و ۵، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ق.
۳۰. خوبی، سید ابو القاسم موسوی، **مصباح الفقاهة فی المعاملات (المکاسب المحرمة)**، ج ۱، بی‌جا: بی‌نا، ۱۴۲۶ق.
۳۱. خوبی، سید ابو القاسم موسوی، **منهاج الصالحین**، ج ۱، قم: نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰ق.

۳۲. رحمان زاده، مهدی، پارازیت، قم: پژوهشکده باقرالعلوم 7، ۱۳۹۳، بازبینی: ۱۳۹۸/۱۲/۳:
<http://pajoohe.ir/noise-a-35035.aspx>
۳۳. رحمانی، محمد، «بررسی فقهی شرایط امر به معروف و نهی از منکر»، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۳، پاییز ۱۳۸۳.
۳۴. روحانی، سید صادق، فقه الصادق 7، ج ۱۳ و ۱۴، قم: دارالکتاب - مدرسه امام صادق 7، ۱۴۱۲ق.
۳۵. روحانی، سید صادق، منهاج الصالحین، ج ۲، بی جا: بی نا، بی تا.
۳۶. روحانی، سید صادق، منهاج الفقاهة، ج ۱، قم: انوار الهدی، ج ۵، ۱۴۲۹ق.
۳۷. سبحانی، جعفر، المواهب فی تحریر أحكام المكاسب، قم: مؤسسه امام صادق 7، ۱۴۲۴ق.
۳۸. سبحانی، جعفر، در پاسخ به استفتاء: شفقتنا (پایگاه بین المللی همکاری های خبری شیعه)،
 ۱۳۹۳: <http://shafaqna.com/persian/services/marjeiats/item/71170>
۳۹. سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، ج ۱۵، قم: مؤسسه المنار، ۱۴۱۳ق.
۴۰. سلار، حمزة بن عبد العزيز ديلمی، المراسم العلوية و الأحكام النبوية فی الفقه الإمامی، قم: منشورات الحرمین، ۱۴۰۴ق.
۴۱. شبیری زنجانی، سید موسی، در پاسخ به استفتاء، شفقتنا (پایگاه بین المللی هم کاری های خبری شیعه)، ۱۳۹۳: <http://shafaqna.com/persian/services/marjeiats/item/71170>
۴۲. شریف کاشانی، ملا حبیب الله، مستقصى مدارک القواعد و منتهی ضوابط الفوائد، قم: چاپخانه علمیه، ۱۴۰۴ق.
۴۳. شریف مرتضی، علی بن حسین، جمل العلم و العمل، نجف اشرف: مطبعة الآداب، ۱۳۸۷ق.
۴۴. شریف مرتضی، علی بن حسین، رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ق.
۴۵. شهید اول، محمد بن مکی عاملی، الدروس الشرعية فی فقه الإمامية، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۴۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية (المحشی - کلانتر)، شارح: سید محمد کلانتر، ج ۳، قم: کتابفروشی داورى، ۱۴۱۰ق.

۴۷. شهیدی تبریزی، میرزا فتاح، هدایة الطالب إلى أسرار المكاسب، ج ۱، تبریز: چاپخانه اطلاعات، ۱۳۷۵ق.
۴۸. صارمی، ابوطالب، تأثیر پارازیت‌ها بر افزایش سقط جنین، ۱۳۹۱، تابناک: <http://www.tabnak.ir/fa/news/275401>
۴۹. صافی گلپایگانی، لطف الله، هدایة العباد، ج ۱، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۶ق.
۵۰. صدر، سید محمد، ما وراء الفقه، ج ۳، بیروت: دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۲۰ق.
۵۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الهدایة فی الأصول و الفروع - هدایة المتعلمین، قم: مؤسسه امام هادی ۷، ۱۴۱۸ق.
۵۲. طباطبایی، سید تقی، عمدة المطالب فی التعليق علی المكاسب، ج ۱، قم: کتابفروشی محلاتی، ۱۴۱۳ق.
۵۳. طباطبایی، سید علی بن محمد، ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل، ج ۸، قم: مؤسسه آل البيت :، ۱۴۱۸ق.
۵۴. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد، تهران: انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون، ۱۳۷۵ق.
۵۵. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ق.
۵۶. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الأحكام، ج ۶، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۵۷. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکرة الفقهاء، ج ۹، قم: مؤسسه آل البيت :، ۱۴۱۴ق.
۵۸. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۵۹. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، منتهی المطالب فی تحقیق المذهب، ج ۱۵، مشهد مقدس: مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۲ق.
۶۰. فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، الرسالة الفخریة فی معرفة النیة، ج ۲، مشهد مقدس: مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۱ق.
۶۱. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، مفاتیح الشرائع، ج ۲، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی :، بی تا.

۶۲. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، کشف الغطاء عن مبهات الشريعة الغراء، ج ۱ و ۴، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲ق.
۶۳. کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین عاملی، رسائل المحقق کرکی، ج ۱، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ج ۱ و ۲) و دفتر نشر اسلامی (ج ۳)، ۱۴۰۹ق.
۶۴. کلانتر، سید محمد، کتاب المکاسب (المحشی)، ج ۲، قم: مؤسسه مطبوعاتی دار الکتاب، ۱۴۱۰ق.
۶۵. گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، کتاب القضاء، مقرر: سید علی حسینی میلانی، ج ۱، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ق.
۶۶. لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة - المکاسب المحرمة، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار ،: ۱۴۲۷ق.
۶۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ،: ج ۷۹، بیروت: مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰ق.
۶۸. محب الرحمان، محمد مهدی و دیگران، «پژوهشی در حکم فقهی فیلتر»، کاوشی نو در فقه، سال ۲۲، ش ۴، زمستان ۱۳۹۴.
۶۹. محب الرحمان، محمد مهدی، بررسی مبانی فقهی فیلتر، قم: حوزه علمیه قم، ۱۳۹۵.
۷۰. محقق حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۱، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۷۱. محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن، کفاية الأحكام، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۳ق.
۷۲. مفید بغدادی، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید ،: ۱۴۱۳ق.
۷۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۷۴. مکارم شیرازی، ناصر، أنوار الفقاهة - کتاب التجارة، قم: انتشارات مدرسه الإمام علی بن أبی طالب 7، ۱۴۲۶ق.
۷۵. ملک زاده، رضا، پارازیت مضر است، ۱۳۹۷، ایرنا: <http://www.irna.ir/fa/News/82522835>.
۷۶. منتظری، حسین علی، دراسات فی المکاسب المحرمة، ج ۱ و ۳، قم: نشر تفکر، ۱۴۱۵ق.
۷۷. منتظری، حسین علی، دراسات فی ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية، ج ۲، قم: نشر تفکر، ۱۴۰۹ق.

۷۸. موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم، در پاسخ به استفتاء، شفقنا (پایگاه بین‌المللی هم‌کاری‌های خیری شیعه)، ۱۳۹۳: <http://shafaqna.com/persian/services/marjeiats/item/71170>
۷۹. موسوی قزوینی، سید علی، ینابیع الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۴ق.
۸۰. میرزای قمی، گیلانی، ابو القاسم بن محمد حسن، جامع الشتات فی أجوبة السؤالات، تهران: مؤسسه کیهان، ۱۴۱۳ق.
۸۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۱ و ۲۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۸۲. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۱۷، قم: مؤسسه آل البيت :، ۱۴۱۵ق.